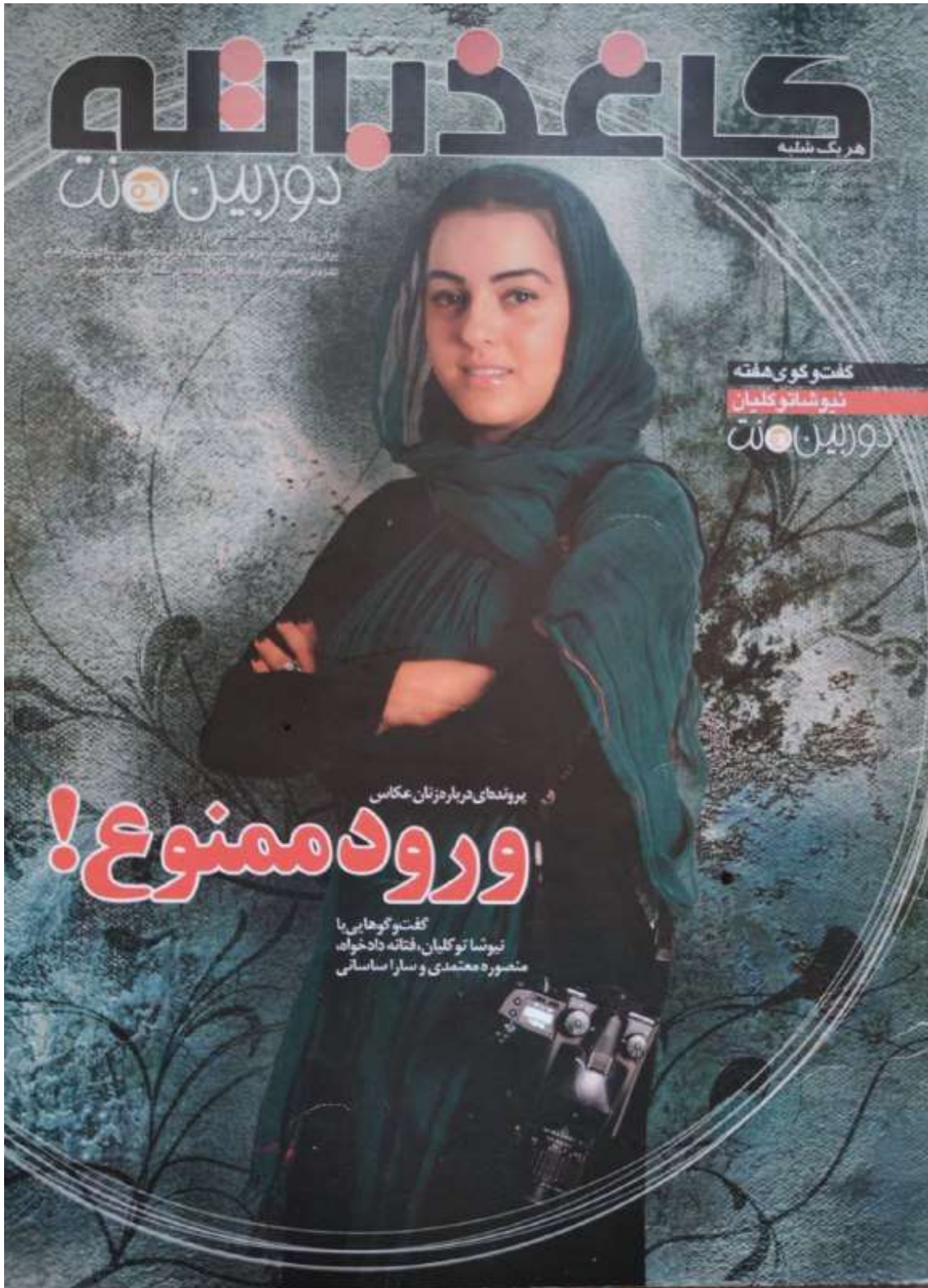


A case study about female photographers- Doorbin.net magazine- 2010





زن‌ها در عکاسی خبری، دوام نمی‌آورند

سارا ساسانی

سفر به افغانستان، بهترین خاطره او از عکاسی است. هم‌اگر لازم باشد برای عکاسی، مرزها را هم پشت سر می‌گذارد مرز و محدودیت برای او هم معنا ندارد.



می‌شوند؟

خانم‌ها در عکاسی خبری - البته ما بیشتر عکاسی مطبوعاتی داریم تا عکاسی خبری - کم هستند و دوام نمی‌آورند. عکاسی مطبوعاتی آن‌ها را به شدت فرسوده می‌کند به همین دلیل بعد از مدتی کنار می‌کشند.

فکر می‌کنید دلیلش چیست؟

یکی از دلایل استهلاک جسمی است. یک زن در عکاسی مطبوعاتی، مجبور است هر روز یک ورزته ۳ تا ۵ کیلویی را با خود حمل کند و با پسه پای مردها هم حرکت کند. بعد از مدتی با افزایش سن، زن‌ها به این نتیجه می‌رسند که باید بیشتر به فکر سلامتی خود باشند و به همین دلیل از عرصه خبری کنار می‌کشند.

بدترین خاطره عکاسی شما چیست؟

یک بار در میدان شهدا در برنامه تشییع جنازه شهدا یا من و شو تا از خانم‌های عکاس، برخورد بدی شد هیچ کدام از ما از نظرسنجی ناخواری، مشکلی نداشتیم، اما با برخورد شد و این برخورد از طرف خانم‌هایی بود که در تشییع جنازه شرکت داشتند. آن‌ها سس می‌کردند ما را از جمع خود دور کنند. اشرف رفتارشان بد بود که عده‌ای از زن‌های دیگر، مانع آن‌ها شدند.

بهترین خاطره عکاسی؟

در عکاسی از افغانستان، منته خیلی کم بود. این برنامه از طرف دانشکده توتیب داده شده بود. عده‌ای از دخترهایی که ثبت نام کرده بودند پیش‌از آن شدند و فقط من ماندم. به این دلیل که تنها دختر عکاس بودم. از طرف دانشکده، مانع من شدند اما به واسطه یکی از دوستانم که تبه افغانستان بود، به این سفر رفتم تجربه بسیار خوبی بود.

عکاس، در سزمای می‌شود. به عنوان عکاسی که عکاسی را در پراگه اسلواکی و ترکیه هم تجربه کرده‌اید، برخورد مردم این مناطق را با عکاسان چه‌طور دیدید؟

آنها سر عکس ایران، مردم اهل پرس و جو و کنکاش نیستند. عکاسی برای مردم خیلی جاذبه‌ای نیست. تو پوست داری عکاس کنی و عکاسی می‌کنی همین‌البته من فکر می‌کردم در ترکیه به واسطه مسلمان بودن ساکنان آن با مشکل مواجه شوم، اما این‌طور نبود.

سس می‌کنید یا به پای عکاسان مرد حرکت کنید، یا این که به واسطه وجود نگاه زنانه در عکس‌ها ایشان نازی به این کار نمی‌بینند؟

سس می‌کنم یا به پای آن‌ها حرکت کنم، البته تا جایی که از نظر جسمی بتوانم.

پیش آمده که از نظر جسمی، کم بیاورید؟

بله، در یک مقطع این اتفاق رخ داد و سرختم کم شد یا تمرکز، این مساله را حل کردم.

یعنی این که مثلا در کلاس‌های ورزشی شرکت کرده‌اید؟

بله، در کلاس‌های بدن‌سازی ثبت نام کردم، چون سرعت عمل مردها بیشتر بود.

واقعاً سرعت عمل مردها در عکاسی بیشتر است؟

بله، بخصوص برلتر عوض کردن. فکر می‌کنید چرا عکاسان زن کمتر دیده

این اجتماع، مردم را شامل می‌شود، یا مسئولان و؟

حسادت را برخی مسئولان ایجاد می‌کنند و یک دسته کم تعداد از مردم بقیه خیلی خیلی مهربان‌اند.

پیش آمده که زن بودن در عکاسی به شما کمک کرده باشد؟

بله به شدت. من در محافل زنانه، به واسطه زن بودن، راحت‌تر عکاسی می‌کنم. مثلا در سفر افغانستان من به راحتی وارد یک مجلس خبروسی شدم، به راحتی از همه زان‌ها عکس گرفتم و حتی با آن‌ها دوست شدم، اما عکاس مردی که همراهم بود نتوانست به این مجلس راه پیدا کند.

عکاسان زن در افغانستان چقدر پذیرفته شده‌اند؟

انجا بروج زن زن‌ها به عکاسی خیلی کمک می‌کنند. مردهایی که همراه زنان افغان هستند به همین واسطه، کمتر تعصب نشان می‌دهند چون می‌دانند که کسی چهره زن آن‌ها را از زیر بروج نمی‌شناسد. اینجا عکاسی به این بستگی دارد که از چه محیطی عکاسی می‌کنی. در برخی از محیط‌ها حتی پوشش ناخواری زنان

شما اول عکاس هستید یا یک زن؟

اول زن هستم.

این زن بودن در عکاسی برای شما مشکلی ایجاد نکرده؟

قطعا گاهی مشکلاتی داشتیم، اما این که تاکید می‌کنم اول زن هستم، به این دلیل است که فکر می‌کنم این جنسیت در نگاه من تاثیر گذاشته. زن بودن تعیین می‌کند که چه‌طور نگاه کنم و چه‌طور عکاسی کنم. در عکاسی من، جنسیت عنصر تعیین‌کننده‌ای است.

در جامعه به یک عکاس زن، چه نگاهی وجود دارد؟

این نگاه، متفاوت است. گاهی به ما به عنوان عکاسان زن، اهمیت داده می‌شود، نگاه‌ها خوب و حتی دوست‌داشتنی است. در بعضی جاها هم کاملا متفاوت است. به طور کلی، در این ۴-۵ سالی که من عکاسی می‌کنم، نگاه‌ها به عکاسان زن بهتر شده اما جاهایی هم هست که نگاه‌ها همچنان متعصب است.

محدودیتی که برای شما در عکاسی ایجاد شده، از طرف خودتان بوده، یا خانواده یا جامعه؟

این محدودیت، فقط اجتماعی است.